

## حق الناس از منظر اسلام

حجت الاسلام والمسلمین روح الله شریعتی\*

### اشاره

اقامه قسط و برقراری عدالت اجتماعی، یکی از عمده‌ترین اهداف بعثت پیامبران است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۱</sup> ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب آسمانی و میزان شناسایی حق از باطل نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. ادای حق الناس، یکی از مصادیق عدالت اجتماعی است؛ چنان‌که احترام به حقوق دیگران، از جمله اساسی‌ترین اهداف ادیان آسمانی به شمار می‌رود. حقوقی که اسلام برای فرد در نظر دارد، ممکن است در ارتباط فرد با خالق باشد یا در ارتباط با مخلوق که نوع اول را «حق الله» و نوع دوم را «حق الناس» می‌نامند. تفصیل این حقوق، در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام آمده است.

در این مقاله، به بررسی برخی از حقوق افراد که رعایت آن جنبه الزامی دارد می‌پردازیم. در این راستا ابتدا پس از بیان اهمیت موضوع به مبانی دینی آن در قرآن و روایات پرداخته، سپس آثار دنیوی و اخروی عدم رعایت حق الناس و در نهایت توبه از آن را دنبال خواهیم کرد.

### اهمیت حق الناس

در اهمیت حق الناس همین بس که طولانی‌ترین آیه قرآن در این باب است؛ آیه ۲۸۲ سوره بقره در مورد قرض و این‌که چطور قرض داده شود تا حق کسی پایمال نگردد، می‌باشد. همچنین بسیاری از آیات قرآن در خصوص ابعاد مختلف «حق الناس» است؛

---

\* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

برای نمونه، این‌که خداوند دستور داده در صورت تحقق شرایط خاص، چهار انگشت سارق قطع شود و این خود، اهتمام شارع به حق‌الناس را می‌رساند.<sup>۱</sup> اسلام حقوقی متقابل برای افراد نسبت به یکدیگر و همچنین افراد نسبت به حکومت قائل شده و هر یک را موظف به رعایت حقوق دیگری کرده است. به فرمایش امام علی (ع) خداوند ادا کردن حق‌الناس را مهم‌تر از حق‌الله دانسته است: «جَعَلَ اللهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدِّمَةً عَلَى حُقُوقِهِ فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًّا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللهِ»<sup>۲</sup> خداوند حقوق بندگانش را مقدم بر حقوق خود قرار داده و کسی که حقوق بندگانش را رعایت کند، حقوق الهی را نیز رعایت خواهد کرد.»

### گسترده‌گی معنای حق‌الناس

دین، مفهوم عامی برای حق‌الناس قائل است. دین می‌گوید: اگر انسان با کسی حتی دو ساعت همراه بود، بر او حرمت و حقی پیدا می‌کند؛ چه رسد به این که عمری شریک زندگی‌اش باشد. به همین دلیل، حق هر رفتاری را با همسر و همراه خود ندارد و پاسداشت حق او لازم است؛ هرچند او دین دیگری داشته باشد. علی (ع) فرمود: «ما تَأَكَّدَتِ الْحَرْمَةُ بِمَثَلِ الْمُصَاحِبَةِ وَ الْمُجَاوِرَةِ»<sup>۳</sup> هیچ چیز بیشتر از حرمت نگه داشتن هم‌نشینی و مجاورت در دین تأکید نشده است. امیر مؤمنان (ع) قبل از شهادت در وصیت خود فرمودند: «اللَّهُ اللهُ فِي جِيرَانِكُمْ، فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةُ نَبِيِّكُمْ، مَا زَالَ يُوصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورَثُهُمْ»<sup>۴</sup> در مورد همسایگان خود خوش‌رفتاری کنید؛ چرا که آنان مورد توصیه و سفارش پیامبر شما هستند. او همواره نسبت به همسایگان سفارش می‌نمود؛ تا آن‌جا که ما گمان بردیم به‌زودی سهمیه‌ای از ارث برایشان قرار خواهد داد.» حتی هم‌شهری بودن و نزدیکی به افراد به لحاظ جغرافیایی، حقی بر عهده فرد می‌آورد که مثلاً در کمک‌ها مقدم بر دیگران است؛ یعنی در این موارد، حتی در پرداخت صدقات

۱. مانده، آیه ۳۸: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا.»

۲. عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۳۷۰، ش ۴۷۸۰.

۳. غرر الحکم، ش ۹۵۲۸.

۴. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

واجبه مانند زکات فطره به فقرا، افراد نیازمند منطقه و شهر خود انسان در اولویت قرار می‌گیرد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که به اسحاق بن عمار فرمود: «با إسحاق... و إن جالسك يهودي فأحسن مجالسته»<sup>۱</sup> حتی اگر فردی یهودی با تو همنشین بود، به بهترین وجه با او همنشینی کن.» مروی است حضرت امیر در راهی با فردی ذمی (غیر مسلمان) همسفر بودند. پس از جدا شدن، چند قدمی را با او همراهی کردند و در پاسخ به سؤال وی از این کار فرمود: تکمیل همراهی به این است که وقتی فرد از همراهش جدا می‌شود، او را (چند قدمی) همراهی کند. پیامبر ما این گونه به ما امر فرموده است. ذمی گفت: بی‌شک، پیروان او به جهت این اعمال بزرگ‌منشانه او پیروش شده‌اند. شاهد باش که من نیز روش و رفتار تو را می‌پذیرم و چند قدمی حضرت را مشایعت کرد و بعد که حضرت را شناخت، مسلمان شد.<sup>۲</sup>

همچنین بستگان و فامیل بر انسان حق دارند. عدم قطع رابطه با اقوام یا صله رحم، یکی از موضوعات مورد تأکید اسلام است که آیات و روایات بسیاری نیز در این خصوص وجود دارد و قطع رابطه، به خصوص از نزدیکان، مسلماً پیامدهای دنیوی و اخروی بدی را به همراه دارد. رهبران دینی در بحث صدقه نیز توصیه کرده‌اند که اگر در بین بستگان و نزدیکان فقیری هست، صدقه به او داده شود.<sup>۳</sup>

### حق الناس الزامی

موارد فوق، حقوق توصیه‌ای است که افراد بر یکدیگر دارند و الزامی نیستند. البته دین بر رعایت آنها تأکید دارد و رعایت یا عدم رعایت آنها آثار دنیوی و اخروی برای انسان دارد؛ اما آنچه محل بحث ما در این نوشتار است، حق الناس الزامی است؛ حقوقی که از نگاه دین لازم است رعایت شود و توصیه‌ای نیست؛ به بیان دیگر، عدم رعایت آنها مجازات دنیوی یا عذاب اخروی را به دنبال دارد. این حقوق از

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۸۹.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷۰.

۳. اشاره به مصارف زکات فطره شود که توصیه شده اگر فرد اقوام فقیر دارد، به آنان دهد؛ حتی اگر دسترسی به آنها ندارد، می‌تواند فطره را کنار بگذارد و بعداً بپردازد.

برخوردهای بین افراد یا بین فرد و حکومت ایجاد می‌شود؛ برخوردهایی که از رهگذر آن، ضرری به فرد برسد و حقی از او ضایع شود و در نتیجه، حقی به نفع او و بر عهده تزییع‌کننده ایجاد می‌شود.

رعایت برخی حقوق، لازم و ضروری است و عدم رعایت آن‌ها مایه بی‌نظمی جامعه و گاه اخلال در نظام اجتماعی است. این حقوق، گاه حتی بر حقوق الهی، مثل عبادات مقدم می‌شود؛ همچنان‌که مراجع تقلید فتوا داده‌اند که اگر طلبکاری از بدهکارش که در حال نماز است، بدهی خود را مطالبه کرد و عجله داشت، بر بدهکار مجاز است که در صورت وسعت وقت نماز، آن را بشکند و پس از پرداخت بدهی، دوباره نماز بخواند؛ در حالی که در مواقع عادی، شکستن نماز، حرام است. نمونه دیگر این‌که فردی که غسل می‌کند، اگر قصد دارد پول صاحب حمام را نهدد یا از پول غصبی و حرام پول او را بپردازد یا این‌که در خانه غسل کند و پول آب آن را به دولت نهدد، غسلش باطل است.

یکی از امامان معصوم علیه السلام فردی از اصحاب خود را در مکه دیدند و از حال او جويا شدند. او گفت: آمدم مکه بمانم و عبادت کنم. در ضمن گفتگو، امام فهمیدند که او به کسی بدهکار است. از این رو، خطاب به او فرمود: برو قرضت را بده؛ نمی‌خواهد در مکه بمانی!

می‌گویند جنازه‌ای را آوردند تا پیامبر بر آن نماز بخواند. حضرت فرمود: آیا ایشان بدهکار است؟ گفتند: بله. پیامبر از نماز بر آن ابا کردند تا این‌که امیر مؤمنان علیه السلام قرضش را بر عهده گرفت و پیامبر نمازش را خواند. امام صادق علیه السلام درباره این رفتار پیامبر فرمود: برای موعظه گرفتن افراد که دین و بدهی خود را سبک نشمارند، چنین کردند.<sup>۱</sup> نکته‌ای شایان توجه این است که در باب حق‌الناس الزامی تفاوت نمی‌کند حق کوچک باشد یا بزرگ، فرد مورد نظر کودک باشد یا بزرگسال، زن باشد یا مرد، از نزدیکان فرد باشد یا فرد غریب باشد، در همه این موارد حق‌الناس صادق است و آثار و

۱. به نقل از پایگاه اینترنتی درس‌هایی از قرآن، محسن قرائتی.

۲. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۹۵۸.

پیامدهای خاص خود را به دنبال دارد. همچنین در حق الناس، حسب و نسب، ریس و مرئوسی یا پدر و فرزندی معنا ندارد.

بدترین نوع حق الناس آن است که صاحب حق نتواند با فرد طرف شود. از روایات بر می آید که این فرد با خدا طرف است و فردای قیامت، خداوند حق او را خواهد گرفت. در حدیث آمده است: «إِيَّاكَ وَ ظُلْمَ مَنْ لَّا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ!» بترس از این که به کسی ظلم کنی که یاری جز خدا ندارد.»

### انواع حق الناس

حق الناس را به چهار نوع می توان تقسیم کرد:

۱. برخی از حقوق، حق طبیعی و فطری هر کس است. حقوق طبیعی، همان حقوق اولیه بشر است که هر کس برای زندگی نیازمند آن است و خدا به او داده است، مانند حق: حیات، امنیت و آزادی. از جمله حقوق طبیعی و خدادادی فرد است که زنده باشد و هیچ کس حق ندارد او را بکشد یا امنیت وی را به ناامنی تبدیل کند. روشن است که مخدوش کردن این نوع از حقوق افراد، پایمال کردن حق الناس محسوب می شود. سلب آزادی فرد مانند حبس و زندانی بی مورد، ایجاد ترس و دلهره در افراد، حتی آلوده کردن هوا، مثلاً با استعمال دخانیات، محروم کردن دیگران از استنشاق هوای سالم است. نمونه دیگر این که خداوند تصریح کرده که شب هنگام آرامش انسان است؛ «ما شب را باعث آرامش قرار دادیم.» حال اگر در وقت شب با سر و صدای زیاد، مثل برگزاری عروسی، مانع آرامش و استراحت دیگران شویم، حق طبیعی آنان را پایمال کرده ایم.

۲. حقوقی که با مجموعه قوانین کشوری که قانون گذار وضع می کند، برای افراد ایجاد می شود؛ چه در برابر دولت چه در برابر افراد؛ یعنی چه حقوق حاکمان و مردم نسبت به یکدیگر و چه حقوق افراد نسبت به یکدیگر. با این توضیح که لازمه زندگی اجتماعی، وجود مقرراتی است تا حقوق افراد تضییع نشود. این مقررات همچنان که وظیفه ای را برای افراد جامعه ایجاد می کند، حقوقی نیز ایجاد می کند که در عرصه ها فردی، خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی یا قضایی ظهور می نماید؛ مثلاً حق فرد است به دادگاه برای دادخواهی مراجعه کند، رأی دهد، مدیریت جامعه را بر عهده

گیرد، در رفاه اقتصادی یا آرامش و امنیت اجتماعی به سر برد و ده‌ها حقوق دیگر که یک شهروند می‌تواند داشته باشد. حقوقی که فرد در زندگی اجتماعی در ابعاد مختلف دارا است، همگی حق او است و این حقوق باید نسبت به همه افراد محترم شناخته شود. امیر مؤمنان علیه السلام در نامه به مالک اشتر توصیه می‌کند: «فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحُّ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ؛<sup>۱</sup> مردم دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند و یا انسان‌اند و از نظر آفرینش با تو یکسان.» یعنی حتی اگر برادر دینی تو نیست، مثل تو، مخلوق خدا است و به همین جهت، بر گردن تو حقی دارد و حرمت او بر تو که حاکم اویی، لازم است.

۳. حقوقی که با قوانین دین برای افراد ایجاد شده است، مانند: حق عبادت کردن، حق عدم تخریب شخصیت اجتماعی یا خانوادگی افراد با دروغ، غیبت، تهمت و...  
 ۴. برخی از حقوق جنبه اخلاقی و عرفی دارد که گاه دین آن‌ها را نیز توصیه کرده است، مانند حقوق همسایه، همسفر، همکار، همسر که برخی از آن‌ها در دین به عنوان مستحب و برخی نیز واجب هستند. در توضیح باید گفت: که در هر جامعه‌ای عرف یا اعتقادات مردم، رفتار و سنت‌هایی را پذیرفته که این سنت‌ها، حقوق و وظایفی را برای افراد ایجاد می‌کند؛ حقوقی که در قوانین رسمی از آن‌ها سخنی به میان نیامده است.<sup>۲</sup>

### موارد حق الناس

واژه حق الناس، عام و فراگیر است و شامل تمام حقوقی که انسان‌ها در زندگی اجتماعی بر یکدیگر دارند می‌شود. به همین دلیل، مسائل حق الناس در همه ابواب فقه وجود دارد و می‌توان گفت بابتی از ابواب فقه اسلامی نیست، مگر این که نمونه‌های فراوانی از حق الناس در آن‌ها آمده است. این مسائل در سه مورد کلی ظهور دارد: «جان و روان»، «مال و دارایی» و «آبرو». در حدیثی وارد شده که پیامبر صلی الله علیه و آله به کعبه نظر کرده، فرمود: «مَرَحَبًا بِالْبَيْتِ مَا أَعْظَمَكَ وَأَعْظَمَ حُرْمَتَكَ عَلَى اللَّهِ وَاللَّهُ لِلْمُؤْمِنِ أَكْبَرُ حُرْمَةً مِنْكَ لِأَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنْكَ وَاحِدَةً وَمِنَ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثَةً: مَالُهُ وَدَمُهُ وَأَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنَّ السَّوِّءِ؛<sup>۳</sup> آفرین

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. البته اگر قوانین جامعه را عام بگیریم، شامل این قوانین عرفی که رسماً لازم الاجراء نیست نیز می‌شود.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۱.

بر بیت الله! خداوند چقدر تو را بزرگی بخشیده و حرمتت را بر خود بزرگ داشته است. به خدا قسم! مؤمن، حرمتش از تو بیشتر است؛ زیرا از تو یک چیز را حرمت داشته؛ ولی از مؤمن سه چیز را؛ مال، خون (جان) و این که گمان بد به او نشود.»

### ۱. حرمت جان و روان افراد

جان، از نظر اسلام انسان حرمت خاصی دارد. هر کس حق دارد جانش محترم باشد و هیچ کس نباید به جسم دیگری ضربه‌ای وارد آورد. حق الناس جانی، با ایراد ضربه بر جسم، اعم از ضرب و جرح، نقص عضو، داروی اشتباه دادن، دادن غذای فاسد و مسموم، اعتیاد به مواد مخدر، تجویز دارو توسط غیر متخصص و هر ضرر دیگر و بالاخره قتل تحقق می‌یابد. بنابراین، احترام به جان و بدن و سلامتی افراد، تا آن حد مورد اهمیت است که حتی خداوند هم از آن صرف نظر نمی‌کند.

علاوه بر احترام و حرمت جسم و بدن، روان افراد نیز محترم است و انسان نمی‌تواند به روح و روان افراد صدمه‌ای وارد آورد؛ مثلاً با ترساندن، اندوهگین ساختن، آزرده و هر گونه ضربه روحی به اعصاب و روان دیگران، موجبات ناراحتی آنان را فراهم نماید.

آیات و روایاتی که بر حرمت انسان از نظر جسم، جان و روان دلالت دارند، زیاد هستند، مانند قتل نفس؛ «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا.»<sup>۱</sup> و یا آیات قصاص در مورد جنایات عمدی، چه قصاص نفس چه قصاص اعضا.<sup>۲</sup> در حدیثی آمده است: «مَنْ لَطَمَ خَدَّ مُسْلِمٍ لَطْمَةً بَدَّدَ اللَّهُ عِظَامَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ وَ حَشَرَ مَغْلُولًا حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ»<sup>۳</sup> هر کس به صورت مسلمان سیلی زند، روز قیامت خداوند استخوان‌های او را از یکدیگر متلاشی سازد. سپس آتش را بر او مسلط نماید و غل به گردن به محشر آید تا به دوزخ برود.»

۱. نساء، آیه ۹۳.

۲. مائده، آیه ۴۵.

۳. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۲۱۸.

## ۲. حرمت مال افراد

در دیدگاه اسلامی، اموال مسلمان و حتی غیر مسلمانی که در کشور اسلامی زندگی می‌کند یا مسافر است، محترم بوده، مصونیت دارد و اتلاف و تجاوز در آن، مجاز نیست. حق‌الناس مالی، نتیجه ایراد ضرر مالی، مانند: از بین بردن اموال، تصرف عدوانی، دزدی و غصب، فریب در معاملات، گران‌فروشی و امثال این موارد پدید می‌آید. اینک به برخی آیات و روایاتی که در مورد حق‌الناس مالی وارد شده، اشاره می‌کنیم.

– «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَیْنَكُم بِالْبَاطِلِ؛<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را از طریق نامشروع و غلط و باطل نخورید.» یعنی، هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و بدون مجوز منطقی و عقلانی بوده باشد، ممنوع شناخته شده است.

– قرآن کریم، در نکوهش قوم یهود و ذکر اعمال زشت آنان، یکی از خصوصیات آن‌ها را خوردن مال دیگران برمی‌شمارد: «... وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ...»<sup>۲</sup> آنان در اموال مردم بدون مجوز و به ناحق تصرف می‌کردند. اکل یا خوردن در این آیه، کنایه از هرگونه تصرف است؛ خوردن، پوشیدن، سکونت و یا غیر آن. بنابراین، هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، رشوه، معاملات بدون تراضی، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلانی در آن‌ها نباشد و خرید و فروش وسایل فساد و گناه، تحت این قانون کلی قرار دارند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که: هر کس مسلمانی را در خرید یا فروش بفریبد، از ما نیست و روز قیامت با یهود محشور می‌شود؛ «مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فِی بَیْعٍ أَوْ شِرَاءٍ فَلَيْسَ مِنَّا وَ يَحْشُرُ مَعَ الْيَهُودِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ.»<sup>۳</sup>

– قرآن می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِینَ الَّذِینَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ یَسْتَوْفُونَ \* وَ إِذَا كَالُواهُمْ أَوْ وَزَنُواهُمْ یُخْسِرُونَ»<sup>۴</sup> وای به حال آن‌هایی که کم‌فروشی می‌کنند؛ کسانی که وقتی می‌خواهند برای خود پیمان‌کنند، حق خود را به طور کامل می‌گیرند؛ اما هنگامی

۱. نساء، آیه ۲۹.

۲. نساء، آیه ۱۶۱.

۳. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۲۱۸.

۴. مطففین، آیه ۳-۱.



که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند.» شأن نزول این آیه در مورد تاجری است به نام جهینه در مدینه که دو پیمانه کوچک و بزرگ داشت؛ هنگام خرید، پیمانه بزرگ و هنگام فروش، پیمانه کوچک را استفاده می‌کرد<sup>۱</sup> و این‌که می‌بینیم خداوند این افراد را مذمت کرده، در مقایسه این دو حالت با یکدیگر است که به هنگام خرید، حق را به طور کامل می‌گیرند و به هنگام فروش، ناقص می‌دهند؛ درست مثل این است که در مقام مذمت کسی می‌گوییم: هر گاه طلبی از کسی داشته باشد، سر موعد آن را می‌گیرد؛ ولی بدهی‌اش را عقب می‌اندازد. بعید نیست که بگوییم آیه کم گذاردن در خدمات اجتماعی و غیر آن را نیز فرا گیرد؛ همچنان‌که برخی مفسران هر گونه تجاوز از حدود الهی و کم و کسر گذاشتن در روابط اجتماعی و اخلاقی را مشمول آن می‌دانند.<sup>۲</sup> پس می‌توان گفت این آیه شامل استاد، روحانی و معلمی که بدون مطالعه وارد درس یا سخنرانی می‌شود و با مطالب بی‌فایده وقت مردم را می‌گیرند نیز می‌شود؛ همچنان‌که شامل فرد اداری، کارگر و هر کسی که در ازای مزدی قرار بوده کار معینی را بدون کم و کاست انجام دهد و کار را ناقص و غیر کامل انجام داده، می‌شود. این آیه، در حقیقت، اعلان جنگی است از ناحیه خدا به افراد ستمگری که حق مردم را پایمال می‌کنند.

– آیه «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ»<sup>۳</sup> پس حق پیمانه و ترازو را به طور کامل ادا کنید و هنگام وزن کردن و پیمانه نمودن کالاهای مردم، از مقدار آن نگاهید.» این کلام، فرمایش حضرت شعیب رضی الله عنه به قوم خود بوده است که بیانگر حق الناس مالی است.

– «وَ اتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا»<sup>۴</sup> اموال یتیمان را به آنان بدهید و اموال نامرغوب خود را با اموال مرغوب آنان جابه‌جا نکنید و اموالشان را به ضمیمه کردن به اموال خود، مخورید که

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۵۱.

۲. همان، ص ۲۴۸.

۳. اعراف، آیه ۸۵.

۴. نساء، آیه ۲.

گاهی بزرگ است.» بدترین نوع حق‌الناس، حق‌الناسی است که از شخصی مثل یتیم و مظلوم باشد. هر کس مال یتیم را بخورد، به گفته قرآن کریم آتش خورده است.<sup>۱</sup>

- بزرگ‌ترین آیه قرآن می‌گوید: «إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ...»<sup>۲</sup> یعنی مواظب حق‌الناس باشید. وقتی وام می‌گیرید، شاهد بگیرید. اگر طرف معامله لال بود، یک شاهد امین بگیرد و نیز در معاملات خود از یکدیگر امضا بگیرید: «وَلَا تَسْتَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ.»

### ۳. حرمت آبروی افراد

انسان نمی‌تواند با رفتار خود، به آبروی دیگری ضربه و آسیبی وارد نماید. حق‌الناس آبرویی، با هتک آبرو و شرافت افراد ایجاد می‌شود و معمولاً با اعمالی مانند: فحاشی، غیبت، تهمت، شایعه‌پراکنی و تبلیغ علیه افراد همراه است. برخی از آیات و روایات، به این موارد اشاره دارد، مانند:

- آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ»<sup>۳</sup> ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی گمان‌ها و پندارها معصیت است و نیز هرگز تجسس نکنید و غیبت یکدیگر روا مدارید. هیچ یک از شما آیا دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را خورد؟ البته کراهت و نفرت از آن دارید و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.»

در این آیه، سه مطلب مطرح است: اول، اجتناب از سوء ظن نسبت به مؤمنان؛ دوم، حرمت تفحص از کارهای پنهان مردم؛ سوم، حرمت غیبت. از منظر حضرت کاظم علیه السلام، غیبت، آن است که عیبی را که مردم نمی‌دانند، در غیاب فرد بگویی.<sup>۴</sup> علت حرمت غیبت، آن است که حیثیت انسان‌ها و اعتماد مردم را از همدیگر سلب می‌کند؛ زیرا در

۱. نساء، آیه ۱۰: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا.»

۲. بقره، آیه ۲۸۲.

۳. حجرات، آیه ۱۲.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۳۷.

اثر پوشیده بودن عیب‌ها، مردم به یکدیگر اعتماد می‌کنند و نیز غیبت، سبب عداوت میان غیبت‌کننده و غیبت‌شده می‌شود و فرد قادر به دفاع از خود نیست. بدین جهت، از گناهان بزرگ به حساب آمده است.<sup>۱</sup> به حضرت موسی وحی شد، هر غیبت‌کننده‌ای که با توبه از دنیا برود، آخرین کسی است که وارد بهشت می‌گردد و هر غیبت‌کننده‌ای که بدون توبه از دنیا برود، نخستین کسی است که داخل جهنم می‌گردد.<sup>۲</sup>

- آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»<sup>۳</sup> این آیه، شایع کردن نسبت‌های ناروا به مؤمنان را، باعث عذاب دردناک آخرت دانسته است.

- «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ...»<sup>۴</sup> این آیه، مسخره کردن و القاب زشت گذاشتن روی افراد را ممنوع کرده است.

- «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ...»<sup>۵</sup> این آیه، برای فرد بدگو و عیب‌جو، با کلمه «وای»، عاقبت بدی را به تصویر کشیده است.

- پیامبر ﷺ فرموده: «الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَإِفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ»<sup>۶</sup> حاکمان و برخی افراد که ارتباط بسیاری با مردم دارند و اطلاعاتی از زندگی آنان به دست می‌آورند، مانند: برخی مدیران و کارمندان نهادها، بانک‌ها یا حراست‌های ادارات، پزشکان و بسیاری از افراد که اقتضای کارشان ورود به درون خانه و زندگی افراد است، نباید اسرار مردم را فاش کنند. امام باقر علیه السلام فرموده: «إِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُوَاخِيَ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِي عَلَى عَثْرَاتِهِ وَزَلَّاتِهِ لِيَعْنِفَهُ بِهَا يَوْمًا»<sup>۷</sup> نزدیک‌ترین کار بندگان به کفر، آن است که آدمی با کسی در امر دین برادری کند و بعد لغزش‌های او را محاسبه کند؛ تا روزی که لازم شد، علیه او به کار گیرد.»

۱. قرشی، علی‌اکبر، تفسیر أحسن الحديث، ج ۱۰، ص ۲۸۶.

۲. دیلمی، حسن بن محمود، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۴۹۰.

۳. نور، آیه ۱۹.

۴. حجرات، آیه ۱۱.

۵. همزه، آیه ۱.

۶. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۹۸.

۷. بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۱۵.

## پیامدهای عدم رعایت حق الناس

در روایات اسلامی، آثار ادا نکردن حقوق مردم یا حبس حقوق آنان، به دو بخش تقسیم شده است: آثار دنیوی و اخروی.

### الف. آثار دنیوی

۱. **تلافی عمل در دنیا:** از روایات بر می‌آید که برخی اعمال عقوبت‌ش به سرعت و در دنیا به انسان می‌رسد. در حدیث آمده: «مَنْ ظَلَمَ مَظْلَمَةً أَخَذَ بِهَا فِي نَفْسِهِ أَوْ فِي مَالِهِ أَوْ فِي وَدَدِهِ»<sup>۱</sup> اگر کسی بر عهده‌اش حق الناسی باشد، خدا از خودش، مالش یا از بچه‌هایش انتقام می‌گیرد.» اگر سؤال شود که ظلم فرد چه ربطی به فرزندان او دارد؟ جواب داده می‌شود که طبیعت برخی کارها، سرایت عواقب آن‌ها مانند ناراحتی یا خوشحالی به دیگران است؛ مانند آن‌که قتل فرد، باعث ناراحتی اقوام او می‌شود. به همین دلیل، گوشزد کردن آن برای پیش‌گیری خوب است. وقتی فرد بداند که اگر حق کسی را بخورد، زمانی حق او یا حق بچه‌هایش را می‌خورند، آن کار را نمی‌کند. این موضوع، ابزار بازدارنده خوبی است.

۲. **محرومیت از ارتباط با خدا:** حق الناس، لذت عبادت را از فرد سلب می‌کند. از پسر مرحوم حاج شیخ عباس قمی نقل شده که در خاطرات خود از پدرش می‌گوید: ایشان در طول ۴۰ سالی که به یاد دارم، یک ساعت قبل از اذان صبح بر می‌خاست و گاه ما با صدای گریه پدر از بستر بلند می‌شدیم. اما شبی دعوت به باغی شدیم، شام خوردیم و شب در همان جا خوابیدیم. پدرم آن شب، نه تنها برای نماز شب بیدار نشد که برای نماز صبح نیز بیدار نشد و پنج دقیقه به طلوع آفتاب مانده بیدار شد. بعد از نماز، بسیار ناراحت بود. وقتی به منزل بازگشتیم، به تحقیق پرداخت که صاحب اصلی باغ را بشناسد و متوجه شد که باغ متعلق به یکی از رباخواران آن شهر بود. پدر تا چهل شب موفق به خواندن نماز شب نشد. تأثیر حق الناس، به اندازه‌ای است که حتی آنان که بدون اطلاع از آن استفاده کنند، از پیامدهای آن در امان نخواهند بود.

---

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۲.

۳. **محرومیت از برکت رزق:** یکی از آثار حق الناس، سلب برکت از زندگی انسان است. قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...»<sup>۱</sup> اگر مردم ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، به آنها از آسمان و زمین رزق و برکت می‌دهیم.» از پیامبر خدا روایت شده است که: «مَنْ حَبَسَ مِنْ أُخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْءًا مِنْ حَقِّهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَهَ الرَّزْقِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ»<sup>۲</sup> کسی که حقی از برادر مسلمانش نگه دارد، خدا برکت روزی را بر او حرام می‌کند؛ مگر این که توبه کند.»

۴. **عدم استجاب دعا:** از امام صادق (ع) روایت شده است که: اگر کسی خواست دعایش زود مستجاب شود، کسب خود را پاکیزه کند و مظلومه‌ای از افراد نداشته باشد.<sup>۳</sup> یا در حدیث از امام صادق (ع) است که دعای مظلوم مستجاب است؛ ولی اگر زمانی ظلم کرد، دعایش مستجاب نمی‌شود.<sup>۴</sup>

۵. **عدم پذیرش توبه:** تأکید اسلام بر رعایت حق الناس، آنچنان است که اگر گناهکاری از گناهان پیشین خود به درگاه الهی توبه کند، تا زمانی که حقوق ضایع کرده مردم را ادا نکند، توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود؛ همچنان که امام علی (ع) یکی از شرایط توبه را، ادای حقوق مردمان دانسته است.<sup>۵</sup>

## ب. آثار اخروی

سختی‌ها و آثار اخروی حق الناس، بیش از دنیوی است و از هنگام مرگ شروع شده، تا قیامت و حتی ممکن است تا ابد نیز گریبان انسان را بگیرد؛ مگر آن که در مواردی فرد مورد شفاعت قرار گیرد و به نوعی حق دیگران تلافی شود.

۱. **گرفتاری در برزخ:** گرفتاری و عذاب اخروی عدم مراعات حق الناس، از لحظه جان کندن و ورود به خانه قبر آغاز می‌شود؛ همچنان که روایت است پس از آن که سعد بن معاذ را به خاک سپردند و مادرش به جهت تکریم پیامبر نسبت به او در تشییع و

۱. اعراف، آیه ۹۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۲۹۳.

۳. همان، ج ۹۳، ص ۳۲۰.

۴. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۷۶.

۵. نهج البلاغه، قصار ۴۰۹.



خود هستند، چگونه نجات پیدا کنم؟» از روایات برمی آید که طلبکاران مختلفی در محشر گرد فرد جمع می شوند؛ یکی می گوید: تو مرا مسخره کردی. یکی می گوید: تو غیبت مرا کردی. یکی می گوید: همسایه من بودی و مرا اذیت کردی. یکی می گوید: در معامله مرا فریب دادی و عیب جنس خود را نگفتی یا دروغ گفתי. دیگری می گوید: گرسنه بودم و تو سیر بودی؛ ولی هیچ گاه از وضعیت ما را نپرسیدی. مظلوم واقع شده بودم، می توانستی دفاع کنی؛ اما از من دفاع نکردی.

**۶. باقی نماندن اعمال نیک:** رسول اکرم ﷺ فرمود: بیچاره ترین مردم (مفلس)، کسی است که روز قیامت با اعمال خوب وارد (صحرای محشر) شود. آن گاه کسی می گوید: این فرد به من فحش داده، نسبت ناروا داده، مال مرا خورده، خون فردی را ریخته یا ستم نموده است. پس به این افراد از حسناتش داده می شود و اگر حسناتش تمام شد، گناهان آنان برای او ثبت می شود. سپس در دوزخ انداخته می شود.<sup>۱</sup> این گونه افراد، از نظر پیامبر بیچاره ترین بندها هستند.

امام سجاد ﷺ به نقل از پدرشان، روایت کرده اند: امام علی ﷺ در مسجد پیامبر برای مردم حدیثی طولانی در وصف روز قیامت بیان فرموده:

«... در روز قیامت خداوند ندا می دهد که امروز به عدالت و قسط حکم می کنم و حق ضعیف را از قوی می ستانم و صاحب مظلومه (کسی ظلمی که در حقش شده) را با قصاص از حسنات و سیئات ظالم تلافی می کنم و امروز از این گردنه هیچ ظالمی که بر فردی ستم کرده، نمی تواند بگذرد؛ به جز با بخشش یا مجازات. سپس خطاب می شود: ای مخلوقها! ظلم هایی را که در دنیا به شما شده، از کسی که ظلم کرده، طلب کنید و من شاهد شما هستم... پس از چندی (که مظلومها گریبان ظالمها را گرفتند)، منادی الهی ندای می دهد: هر کس دوست دارد، ببخشد و هر کس نبخشد، من تلافی آن را از ظالم برایش می گیرم. می گویند: خدایا! مظلوم زیادتر از آن است که ببخشیم... سپس قصرهایی از بهشت نشان داده می شود و منادی ندا می دهد: این قصرها از کسانی است که ببخشند... بیشتر افراد از حق شان می گذردند و می بخشند و اندکی می مانند و به

---

۱. فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۸، ص ۳۴۱.

طرف حساب می‌روند. سپس از حسنات ظالم به ستمدیده داده می‌شود؛ اگر تمام شد، از سیئات مظلوم به ظالم می‌دهند تا عوض او مجازات شود.<sup>۱</sup>

**۷. مجازاتی مانند مجازات دزد:** کسی که قرض می‌کند و از اول بنا دارد ندهد، مانند دزد است. امام فرمود: «مَنْ اسْتَدَانَ دَيْنًا فَلَمْ يَنْوِ قَضَاءَهُ كَانَ بِمَنْزِلَةِ السَّارِقِ.»<sup>۲</sup> همچنین است اگر کسی توان پرداخت بدهی را دارد و بدون مشکل می‌تواند بدهی‌اش را بدهد، ولی طفره می‌رود و نمی‌دهد و بدهی‌اش را با وعده‌های بی‌جا چند روز عقب می‌اندازد و چون نیت ندادن دارد، در حکم دزد است.

**۸. اهل دوزخ:** به پیامبر ﷺ گفتند: فلان خانم، هر روز روزه است و هر شب نماز می‌خواند؛ در حالی که بد اخلاق است و همسایگانش را با زبانش آزار می‌دهد. پیامبر فرمودند: خیری در او نیست. او، از اهل جهنم است.<sup>۳</sup>

**۹. نگذشتن از پل صراط:** در روایت است که خداوند روی پل صراط کمینی قرار داده که هر کس حق‌الناس بر گردن دارد، از آن‌جا به بعد نمی‌تواند عبور کند. امام صادق علیه السلام در تفسیر مرصاد «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ»<sup>۴</sup> فرمودند: «الْمِرْصَادُ قَنْطَرَةٌ عَلَى الصِّرَاطِ لَا يَجُوزُهَا عَبْدٌ بِمَظْلَمَةٍ»<sup>۵</sup> در صراط، جایی است که هیچ کس نمی‌تواند عبور کند؛ مگر این که حق مردم را بدهد.<sup>۶</sup>

**۱۰. معطلی برای حسابرسی:** در روایات آمده که اگر کسی به دیگری تهمت بزند، در روز قیامت روی تلی از چرک و خون قرار می‌گیرد تا حسابرسی خلائق تمام شود. سپس او را به جهنم می‌برند و فریاد جهنمیان از حضور این شخص بلند می‌شود.

۱. بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۶۸؛ روضه کافی، ص ۱۰۴-۱۰۶.

۲. کافی، ج ۵، ص ۹۹.

۳. قَدْ قِيلَ لَهُ إِنَّ فُلَانَةَ تَصُومُ النَّهَارَ وَتَقُومُ اللَّيْلَ وَهِيَ سَيِّئَةُ الْخُلُقِ تُؤْذِي جِيرَانَهَا بِلِسَانِهَا فَقَالَ لَا خَيْرَ فِيهَا هِيَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ. (بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۹۴).

۴. فجر، آیه ۱۴.

۵. حویزی، عبدالله، نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۷۳.

۶. کافی، ج ۲، ص ۳۳۱.



### اهتمام به حق الناس در سیره معصومان علیهم السلام

اهتمام معصومان علیهم السلام به حق الناس، بهترین آموزه برای شیعیان است؛ در ذیل، به بیان چند نمونه اکتفا می‌کنیم.

در تاریخ آمده است زمانی که پیامبر از مکه به مدینه هجرت کردند، علی رضی الله عنه را مأمور نمودند در مکه مانده، اماناتی را که از کفار نزد پیامبر بوده، برگرداند و ایشان سه روز در مکه ماند و امانات کفار را برگرداند. همچنین نقل شده است که پیامبر قبل از رحلت، سه بار به امیر مؤمنان فرمودند: «يا أبا الحسن أَدْ الْأَمَانَةَ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ فِيمَا قَلَّ وَ جَلَّ حَتَّى فِي الْخَيْطِ وَالْمَخِيطِ؛<sup>۱</sup> ای علی! امانت را به انسان نیک یا فاجر برگردان، کم باشد یا زیاد؛ حتی در نخ و سوزن.»

پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار مردی می‌گذشتند که گندم می‌فروخت. دستشان را زیر آن‌ها قرار دادند، دیدند زیرش خراب است. گفتند: این چیست؟ گفت: بلایی سماوی به محصول رسیده است. فرمودند: چرا روی گندم‌ها قرارش ندادی تا مردم آن را ببینند؟ «مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا؛<sup>۲</sup> کسی که ما را فریب دهد، از ما نیست.»

در قضیه عاریه گرفتن گردنبند از بیت المال توسط حضرت زینب، حضرت امیر رضی الله عنه فرمودند: اگر عاریه ضمانت شده نبود، دست تو را قطع می‌کردم. با این‌که عاریه‌ای بود که خزانه‌دار ضامن تلف آن شده بود و استفاده حضرت زینب از ارزش آن نمی‌کاست، اما چون از بیت المال و در واقع از همه مسلمانان بود، حضرت در استفاده از آن حساسیت نشان دادند.

امام صادق رضی الله عنه به مصادف (غلامشان) هزار دینار برای تجارت دادند. مصادف پس از مراجعت از سفر تجاری، دو کیسه هزار دیناری نزد امام گذاشت. امام فرمود: چه تجارت پرسودی بوده که سود آن برابر با اصل سرمایه است؟ گفت: کالایی گرفته بودیم و برای فروش به شهری می‌بردیم. قبل از ورود به شهر، از مسافرانی که بیرون می‌آمدند، نیاز مردم به کالا را پرسیدیم. گفتند: مورد نیاز مردم است و در شهر وجود

۱. بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۷۵.

۲. محجة البیضاء، ج ۳، ص ۱۷۴.

ندارد. ما نیز قیمت‌ها را دو برابر کردیم و مردم خریدند. امام، اصل را برداشتند و دست به سود آن نزدند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام دست کسی را با اجازه او کمی فشار داد. رنگ پوستش عوض شد. آن‌گاه فرمود: اگر به همین مقدار تغییر رنگ پوست، ظلم به مردم بکنی، گرفتار هستی و باید دیه و حساب پس بدهی.

فردی خدمت امام باقر علیه السلام آمد و گفت: من از زمان حجاج تا به حال، در دستگاه طاغوت بوده‌ام. می‌شود توبه کنم؟ امام مکثی کردند. او باز گفت: آقا می‌شود توبه کنم؟ امام فرمود: «لَا حَتَّى تُؤَدِّيَ إِلَيَّ كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ»<sup>۲</sup>، نه، مگر این‌که تمام اموال مردم را به صاحبانش پس بدهی.»

### توبه از حق الناس

لازمه حسرت و ندامت از گناه، ترک و سعی در تدارک آن است؛ یعنی اگر حق‌الله بود، مانند ترک نماز و روزه و حج، قضای آن را به جای آورد و اگر حق‌الناس بود، به گونه‌ای حلالیت بطلبد. پس همه گناهان، چه حق‌الله و چه حق‌الناس، قابل بخشش است؛ به شرطی که توبه واقعی انجام شود و البته توبه هر گناه، متناسب با خودش و تدارک و جبران نیز متناسب با خودش است. در ادامه، به توضیح مختصر این موارد می‌پردازیم.

**۱. حق جانی و بدنی:** اگر کسی ضربه‌ای به فرد وارد نماید، فرد ستم‌دیده حقی بر او دارد و باید تلافی کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اواخر عمر خود، بر فراز منبر فرمودند: من از دنیا می‌روم. اگر کسی از من طلبی دارد، بگوید. فردی گفت: فلان روز عصایان را می‌خواستید به شتر بزنید؛ اما به بدن من خورد. حضرت فرمودند: چوب را بیاورید. بعد بدنشان را برای تلافی نمایان ساختند. فرد بدن پیامبر را بوسید و گفت: قصد جسارت نداشتم. فقط می‌خواستم بوسه‌ای بر بدن شما بزنم. پس در حق‌الناس جانی، اگر حق قصاص یا دیه بود، باید خود را تسلیم صاحب حق کند تا قصاص کند یا دیه بگیرد یا ببخشد.

۱. همان، ص ۱۶۷؛ به نقل از الدرّ المشثور، ج ۵، ص ۱۶۳.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۳۱.

**۲. حق مالی:** در روایتی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «أَوَّلُ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الشَّهِيدِ كَفَّارَةٌ لِدُنُوبِهِ إِلَّا الدَّيْنَ فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ قَضَاؤُهُ»<sup>۱</sup> اولین قطره خون شهید، کفاره گناهان او است؛ مگر بدهکاری که کفاره آن، ادای آن است. اگر از لحاظ مالی به کسی ضرر زده، باید جبران کند و بدهی‌اش را بپردازد و اگر از دنیا رفته، به ورثه‌اش بپردازد. اگر اختلاف مالی پیدا کرده، اختلاف را حل کند. اگر ملک وقفی‌ای را به طور مجاز تصرف کرده، اجاره آن را بپردازد. اگر زکات، خمس یا کفاره بر عهده دارد، به موردش بدهد. خوردن مال یتیم، حق زن بیوه یا ظلم اقتصادی به مردم، حق الناس است و شوخی بردار نیست. اگر جنسی را گران فروخت، در واقع مال مردم را بدون رضایت قلبی تصاحب کرده و باید به صاحبش برگرداند؛ حتی اگر مدیر یا مسؤلی که در رأس امور اقتصادی کشور قرار دارد، با عملکرد اشتباه و به طور عمد به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که به میلیون‌ها انسان ضرر مالی بخورد، باید حلالیت بطلبد. البته ناگفته نماند که در این گونه موارد، گاه حقوق صدها نفر تضییع می‌شود که برخی از آنها را انسان نمی‌فهمد؛ یعنی در همه موارد، حلالیت طلبیدن راه ندارد؛ چون فرد را نمی‌شناسد. در این گونه موارد، راهکاری که دین معرفی کرده، طلب مغفرت برای فرد یا افرادی است که حقتشان تضییع شده و در مواردی، دادن مالی به فقرا با اجازه مجتهدان به عنوان ردّ مظالم است.

**۳. حق آبرویی:** امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ جَبْرُهُ»<sup>۲</sup> هر کس حیثیت مؤمنی را بشکند، بر او واجب است که آن را جبران نماید. اگر در حضور یا پشت سر کسی چیزی گفته که درست نبوده و غیبت، تهمت، تمسخر یا توهین حساب می‌شده است، از او حلالیت بطلبد و او را به هر شکل ممکن از خودش راضی کند. شایان ذکر است که در تضییع حقوق دیگر نیز جبران لازم است؛ مثلاً اگر با پارتی‌بازی فرزندش به جای کس دیگری سر کار رفته، در واقع، حق فردی را تضییع کرده که باید به گونه‌ای حلالیت بطلبد. خلاصه این‌که خداوند در کوتاهی‌ها و تقصیرها در شرایطی که نشانه‌های ندامت واقعی در فرد آشکار شود، حق خود را می‌بخشد؛ اما

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۸۳، ح ۳۶۸۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۳۵۱.

حق مردم را نخواهد بخشید؛ مگر این که در حد امکان، در صدد جبران و جلب رضایت آنان باشد.

### چرا خداوند از حق الناس نمی گذرد؟

حق الناس، از نظر اسلام با عدالت و حکمت الهی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد و دارای گستره وسیعی می باشد. در این جا چون صاحب حق مردم اند، رعایت و نادیده گرفتن آن، ارتباط مستقیمی با بحث عدالت خداوند پیدا می کند. خداوند عادل چگونه ممکن است حقوق انسانها برایش کم اهمیت باشد. در دین اسلام، حق انسانها از جهتی شاید از حق خداوند نیز مهم تر باشد؛ هیچ کس جز خدا اصالتاً و ذاتاً حقی ندارد و حقوق مردم از جانب خدا معین گردیده و تزییع آن، در واقع، مخالفت با حکم و حق الهی تعیین شده است. با وجود این، حق دیگران چون مربوط به خودشان است، خدا آن را نمی بخشد و به نظر و رضایت شخص ستم دیده، وابسته است.

### پاداش رعایت حق الناس

از نکات جالبی که در دین اسلام وجود دارد، این است که از یک سو به فردی که حق الناس بر عهده او است، می گوید نباید این کار را می کردی؛ اما حالا که مرتکب این گفتار یا کردار شدی، باید حلالیت بطلبی، و از سوی دیگر، به صاحب حق سفارش می کند که از حق خویش درگذرد و ببخشد؛ مانند آن که اسلام به قرض دهنده می گوید بیش از آنچه قرض داده‌ای، نگیر؛ ولی به گیرنده توصیه می کند که اضافه بر مبلغی که قرض گرفته‌ای، به قرض دهنده بپرداز. پیامبر فرمودند: اگر کسی طلبکار خودش را با پول و عذرخواهی راضی کند، از برخی امور مستحبی بهتر است؛ «إِنَّ دِرْهَمًا يَرُدُّهُ الْعَبْدُ إِلَى الْخُصْمَاءِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ صِيَامِ النَّهَارِ وَ قِيَامِ اللَّيْلِ»<sup>۱</sup> به درستی که درهم و پولی که فرد به طلبکاران خود دهد، برایش بهتر است از روزه [مستحبی] روز و قیام شب. و در حدیث دیگری فرموده: بهتر از عبادت ۱۰۰۰ سال، بهتر از آزادی برده یا بهتر از ۱۰۰۰

۱. محمدبن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۵۶.

حج و عمره است.<sup>۱</sup> همچنین از امام صادق (ع) نقل شده که فرموده: «مَاعِبَادُ اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ؛<sup>۲</sup> خدا عبادت نشده به برتر از ادای حق مؤمن.» گفتنی است که توصیه نمودن دیگران به عفو از حق الناس، موجبات پاداش الهی را به همراه دارد.

### منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دارالحديث،
۴. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۵. قرائتی، محسن، سایت درسهایی از قرآن.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۷. حکیمی، محمد رضاو دیگران، الحیاء، چاپ سوم، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۰.
۸. ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر (مجموعه ورام) دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۸.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۱۰. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص ۱۸۳، انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۱. حرانی، حسن ابن شعبه، تحف العقول، مصحح علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ بیستم، (بی جا)، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۴. اکبری، محمود، نگاهی به حق الناس، انتشارات گلستان ادب، چاپ چهارم، قم، ۱۳۸۵.
۱۵. اکبری، محمود، احکام حق الناس، انتشارات فتیان، چاپ پنجم، قم، ۱۳۹۱.
۱۶. صدوق، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۷. فیض کاشانی، ملا محسن، محجۀ البیضاء، مکتبۀ الصدوق، تهران.
۱۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۷ق.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، چاپ سوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۶ق.

---

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۲۹۵: «دَرُّهُمْ يَرُدُّهُ الْعَبْدُ إِلَى الْخُصْمَاءِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ وَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ عِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَلْفِ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ.»

۲. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۸۲.

